

معرفی مشاهیر طب سنتی اسلام و ایران

بهاءالدوله رازی

علی اکبر ولایتی

گروه طب اسلامی و طب سنتی، فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، تهران

عنوان مذهب رسمی کشور اعلام شده بود. حیدرزاده در آثار خود، بهاءالدوله را بیش از آنکه پزشکی متعلق به دستگاه صفوی بداند از تعلق او به دستگاه حکومتی تیموری سخن رانده است. در حالی که سکونت بهاءالدوله در طرشت ری به هنگام تألیف خلاصه‌التجارب و تعلق او را به دستگاه نوربخشی به عنوان طریقتی شیعی روشن می‌سازد که اگر خود بهاءالدوله تعلق خاطری به دستگاه حکومت صفوی نمی‌دید، همانند بعضی دیگر از دانشمندان و پزشکان هم روزگارش، همان‌هایی که حیدرزاده در مقاله‌ی خود از آن‌ها نام برده است لحظه‌ای در گریختن درنگ نمی‌کرد و به یکی از دو دستگاه سنتی مذهب همسایه‌ی ایران، هند یا آسیای صغیر مهاجرت می‌نمود.

تاجبخش نام کامل او را با استناد به دستنویسی از خلاصه‌التجارب، بهاءالدوله پسر شاه قاسم پسر شمس‌الدین محمد نوربخشی آورده است. خواند میر و به نقل از او نفیسی لقب او را بهاءالدوله نیز آورده‌اند، که البته با توجه به تصریح خودش در خلاصه‌التجارب و گزارش بسیاری از نویسندگان و صاحبان تراجم درست نمی‌نماید. اگر چه علت این اشتباه خواند میر، به عنوان مورخی که نزدیک‌ترین دوره و فاصله‌ی زمانی را با بهاءالدوله داراست بر ما روشن نیست. عنوان لقب و کنیه‌ی کامل و پدر و پدر بزرگش را بهتر از همه جا در الذریعه می‌توان یافت که به صورت بهاءالدوله ابن امیرکبیر قدوه العلماء شاه قاسم بن عالم میرشمس الدین محمد حسینی نوربخشی ذکر شده است. کم و بیش همین اسم و رسم را عبدالحسین حایری نیز ذکر کرده است.

دوره‌ی زندگی بهاءالدوله رازی، مولف کتاب خلاصه‌التجارب دوره‌ی پرکشاکش و البته مهمی از تاریخ ایران است. با توجه به همین اهمیت لازم است پیش از پرداختن به زندگی بهاءالدوله رازی و بررسی کتاب خلاصه‌التجارب می‌بایست، نگاهی به این دوره از تاریخ ایران (یعنی سال‌های ابتدایی قرن دهم هجری قمری) داشت.

این زمان، دوران تحول حکومت ملی در ایران، از تیموریان در حال اضمحلال (دوره‌ی حکومت، ۹۰۷ تا ۱۱۳۵) است. چنانچه به رای بسیاری از نویسندگان آمده است و تصریح خود بهاءالدوله در مقدمه‌ی خلاصه‌التجارب سال شروع به تألیف آن را سال ۹۰۷ بدانیم، تاریخ تألیف کتاب تقریباً مقارن با آغاز حکومت صفوی در ایران می‌باشد. در ماوراءالنهر نیز تنها چهار سال از دوران مهم و البته طولانی ۳۸ ساله‌ی حکومت سلطان حسین بایقرای تیموری باقی مانده بود. همین تحول از دوران تیموری به صفوی باعث اتفاقات بسیاری در موقعیت علوم در ایران شد. بسیاری از دانشمندان دو دوره از حکومت را تجربه کردند (بهاءالدوله هم در دستگاه حسین بایقرای تیموری حضور داشت، هم در دستگاه شاه اسماعیل و عده‌ای از دانشمندان این دوره به دلیل آشفته بازار ناشی از شرایط انتقالی حکومت‌ها جلای وطن نموده و به دیگر مناطق (از جمله هند یا آسیا صغیر) رفتند.

دوره‌ی زندگی بهاءالدوله عمدتاً برابر با دوران حکومت شاه اسماعیل (حکومت ۹۰۷-۹۳۰) است. دوره‌ی ای که امپراتوری صفوی به شدت رو به رشد و عظمت بود و مذهب شیعه به

محمد و برادر شاه قاسم یاد کرده است که دیوانی به نام دیوان جعفر رازی از او باقی مانده است. این فرد احتمالاً عموی بهاءالدوله رازی است.

خواند میر به چند سفر بهاءالدوله به مکان‌های مختلف اشاره نموده است و در چند موضع از خلاصه التجارب اشاراتی به سفرهای او به کاشان، اصفهان، هرات، نطنز و استرآباد وجود دارد. اگر چه نمی‌شود خط سیر این سفرها را به روشنی و بر اساس ترتیب تاریخی روشن نمود. در این سفرها اشاراتی به کارهای عرفانی او نیز وجود دارد، از جمله این موضوع که او در دوران زندگی در هرات و در زمان زندگی حسین بایقرا در خانقاه خواجه افضل الدین کرمانی سکونت داشته است.

نکته‌ی مهم در مورد آراء و افکار پزشکی بهاءالدوله، تعلق خاطری است که او به اصحاب تجربه داشته است. در آغاز باب دوم خلاصه التجارب او از تعلق خاطر خود به اصحاب تجربه یاد کرده و به صراحت آورده است که در طب، اصل معالجات تجربه است و باید به تجربه پرداخت. این اصحاب تجربه یکی از انواع سه گانه‌ی مکاتب پزشکی (در کنار اصحاب قیاس و اصحاب حیل) هستند که اصالت را در معالجات پزشکی به تجربه و عمل می‌دهند. براساس همین تعلق خاطر به تجربه است که بهاءالدوله رازی بسیاری از تجربیات خود برای درمان بیماری‌ها را در کتب خود آورده و باز بر همین اساس است که کتاب خود را خلاصه التجارب نامیده است.

خلاصه التجارب یکی از نمونه‌های جالب متون پزشکی به زبان فارسی، در اندازه‌ی حدودی ۳۵۰ هزار کلمه و در ۲۸ باب تألیف شده است. البته تعداد باب‌های این اثر از ۲۲ تا ۲۷ باب نیز بر شمرده شده است. علت این خطا احتمالاً ناقص بودن دستنویس‌هایی بوده است که مورد گزارش نسخه شناسان قرار گرفته است (از جمله فهرست نسخ خطی دانشکده‌ی پزشکی دانشگاه تهران موسوم به فهرست ره آورد، که تعداد این باب‌ها را ۲۴ عنوان آورده است)، اما به دفعات تعداد باب‌های این کتاب ۲۸ عنوان ذکر شده است. خلاصه التجارب به ویژه از دید تجربیات پزشکی آن قابل توجه است. در مقام مقایسه،

وجود عنوان نوربخش در بخشی از عنوان اسم بهاءالدوله تعلق او را به طریقت نوربخشی، یکی از انشقاق‌های سلسله‌ی معروفیه می‌رساند. این سلسله به عنوان گروهی از اهل تصوف شیعه مذهب پایگاه بسیار قوی به ویژه در خراسان و از جمله در قائن و اطراف آن داشتند. به طوری که بسیاری از نوربخشی‌هایی که آقا بزرگ تهرانی در قسمت‌های مختلف الذریعه از آن‌ها یاد نموده، عنوان قائنی را نیز با خود دارند. تاجبخش در مواضع مختلف او را نواده سید محمد نوربخش بنیانگذار طریقه‌ی نوربخشیه می‌داند. سید محمد نوربخش در سال ۷۹۵ در قائن متولد شده و در سال ۸۶۹ نیز در گذشته است. آقا بزرگ تهرانی گزارشی از اجداد بهاءالدوله نیز بدست داده است. به نوشته‌ی آقا بزرگ اجداد بهاءالدوله با ۱۵ واسطه به حضرت امام موسی بن جعفر (ع) می‌رسند.

نقل قول‌های متعددی درباره‌ی تاریخ فوت بهاءالدوله وجود دارد. تاجبخش بنا به قرائنی برآمده از متن خلاصه التجارب سال تولد او را ۸۶۰ دانسته که ما پیش از این بدان اشاره کردیم. از دیگر سو او خلاصه التجارب را در سال ۹۰۷ در طرشت ری تألیف نموده است. اشاره‌ای به دوران فوت بهاءالدوله، مربوط به نوشته‌ی خواند میر است که از مواخذه شدن و «در گذشتن» او سخن رانده و تاجبخش این اشاره را نشان از سیاست شدن و قتل او می‌داند و خواند میر نوشته است که بهاءالدوله پس از مرگ حسین بایقرا (در سال ۹۱۱) از هرات به ری آمد، به شاه اسماعیل صفوی پیوست و پس از مدتی فوت نمود. تاجبخش بر این اساس فوت او را حدود ۹۱۵ دانسته است، اما حیدرزاده از فوت بهاءالدوله، پس از ۵ سال گذشتن از زمان فوت شاه اسماعیل صفوی (مرگ در سال ۹۳۰) سخن رانده که باید حدود سال ۹۳۵ باشد. در این میان منزوی سال ۹۲۶ و سید حسین نصر سال ۹۱۳ را به عنوان تاریخ مرگ او ذکر نموده‌اند.

چند گزارش نیز از خانواده و کسان بهاءالدوله وجود دارد. خود بهاءالدوله در خلاصه التجارب از پدرش یاد نموده است و الگود از شمس الدین، برادر بهاءالدوله که او نیز به پزشکی می‌پرداخته است یاد نموده است. آقا بزرگ تهرانی نیز از شخصی به نام جعفر (یا خواجه جعفر) نوربخش، فرزند سید

و معالجات آنها.

- در احوال حلق و آلات آواز و دم زدن چون لهات و لوزتین و حنجره و قصبه‌ی شش و شش و حجاب از ترکیب و وضع و منافع و امراض این از اسباب و علامات و معالجات آنها.
- در احوال دل از ترکیب و وضع و مزاج و حرکت و علامات امزجه مختلفه و امراض قلبی و معالجات آنها.
- در احوال مری و معده و ثرب و صفاق از ترکیب و وضع و منفعت آنها و امراض این اعضا و معالجات آنها.
- در بیان بعضی امراض که اکثر اطباء این ممالک تخصیص او را به عضوی معین مناسب ندانسته‌اند و اغلب حکمای هند او را از امراض معدی دانند.
- در بیان احوال جگر و مراره و امراض کبدی و مراری و معالجات آنها.
- در احوال سپرز و امراض و معالجات آن.
- در احوال روده و امراض امعا و معالجات آنها.
- در بیان امراض مقعده و شرح و معالجات آنها.
- در احوال گرده و امراض کلی و معالجات آنها.
- احوال مثانه و امراض و معالجات آنها.
- در احوال آلات تناسل و امراض مخصوص به مردان و معالجات.
- در بیان آلات توالد و پستان و امزجه مختلفه رحم و امراض مخصوصه به زنان و معالجات آنها، دلایل خصوص حمل و تدابیر احوال حوامل و منع حمل.
- در بیان احوال پشت و مفاصل و پای‌ها و معالجات آنها.
- در بیان سموم و ادویه زیانکار و حیوانات گزننده و تریاقات و خوردن سم‌ها و داروهای مضر و علاج کسانی که زهری بر ایشان وارد شده به خوردن و غیره.
- در بیان بعضی تراکیب که عمده‌اند در معالجات و در کتب اطباء این ملک نیستند.
- در بیان الفاظ غریبه که متعارف اطبا است و تدبیرات بعضی ادویه از طبع و احراق و سحق و تنقیه و پروردن و غسل و کشیدن روغن و گرفتن رب.
- واقعیت این است که خلاصه‌ی التجارب گذشته از آن که

تاجبخش این کتاب را از نظر اهمیت اصول و فنون پزشکی از ذخیره‌ی خوارزمشاهی سید اسماعیل جرجانی پایین‌تر، اما از دید اصول تجربی حاکم بر آن، از ذخیره‌ی خوارزمشاهی بالاتر دانسته است. این تجربیات و روی هم رفته گزارش‌هایی که بهاءالدوله در جاهای مختلف خلاصه‌ی التجارب از مداوا و دستورات طبی خود یا دیگران داده است از جمله نکات مهم این کتاب به شمار می‌روند و عبدالحسین حائری چند نمونه از این گزارش‌ها را جمع‌آوری نموده است. در لابلای خلاصه‌ی التجارب نتیجه‌گیری‌ها و ژرف‌اندیشی‌های بهاءالدوله نیز آمده است، از جمله این موضوع که کسانی که یک بار در زندگی آبله می‌گیرند، به ندرت مجدداً به این مرض مبتلا می‌شوند.

عناوین باب‌های خلاصه‌ی التجارب به شرح ذیل است:

- در بیان آنچه دانستن آن موقوف علیه حفظ صحت و رفع مرض است بر وجه کلی.
- در بیان حفظ صحت.
- در بیان تدبیر اطفال و پیران و ناچهان و مرتاضان به تعب و اعراض نفسانی و آب‌های بد و میوه‌های مضر و استفراغات.
- در بیان اقسام مرض و امتلات مندره به امراض و علامات خیر و شر.
- در بیان حمیات و اسباب و علامات و معالجات آنها.
- در بیان حصبه و جدری و سایر بثرها و ورم‌ها و جذام و سرما زدگی و سموم زدگی.
- در بیان احوال دماغ از ترکیب و وضع و مزاج و غیره و امراض دماغی.
- در بیان احوال چشم و عین از ترکیب و وضع و قوت باصره و مزاج و منفعت و آنچه مضر است یا نافع است و امراض عین.
- در بیان احوال گوش از ترکیب و وضع و قوت سامعه و امراض گوش و اسباب و علامات و معالجات آنها.
- در بیان احوال بینی از ترکیب و وضع و قوت شامه و امراض بینی و اسباب و علامات و معالجات آنها.
- در احوال دهان از وضع و ترکیب و قوت ذائقه و منافع آنها و امراض اعضایی که جزء اویند و اسباب و علامات

آیین‌های تمام نمای پزشکی اسلامی است و گذشته از آن که واجد بسیاری از تجربیات پزشکی خود مولف است، نشان دهنده‌ی کوشش مولف برای به دست دادن کامل یک دوره‌ی اصول مبانی و روش‌های تجربی پزشکی نیز هست.

دوره‌ی کاملی که ناقض عنوان «خلاصه» برای کتاب خلاصه‌التجارب است. آیا این خلاصه واقعاً متن خلاصه شده متنی بزرگتر در پزشکی است؟ در لابلای کتاب چنین چیزی به چشم نمی‌خورد. اما چرا بهاءالدوله این عنوان را به کتاب داده است؟ او از یک سو کتاب را «خلاصه» نامیده و از سوی دیگر در ابتدای باب دوم کتاب، در ابتدای بحث درباره‌ی حفظ صحت تمامی اثر کوتاهی از پدر خود درباره‌ی حفظ صحت را آورده است (البته خود به صراحت از اینکه این اثر از پدرش می‌باشد یاد کرده است). بنابراین معما درباره‌ی آنکه چرا این کتاب «خلاصه‌التجارب» نامیده شده همچنان باقی است.

از خلاصه‌التجارب نسخه‌های خطی بسیاری باقی مانده است. تقریباً در هر یک از کتابخانه‌های ایران یک یا چند دستنویس از این کتاب وجود دارد. براساس گزارشی که احمد

منزوی تهیه نموده از این کتاب تقریباً ۳۵ دست‌نویس در ایران و ۲۰ نسخه نیز در خارج از ایران وجود دارد.

این کتاب چهار بار در هندوستان به چاپ رسیده است و جالب آنکه در هر چهار بار نام مولف آن به نادرستی نه بهاءالدوله رازی، بلکه حکیم علوی خان دهلوی ذکر شده است. تاریخ این چاپ‌ها عبارت‌اند از:

دهلی، ۱۲۸۳ ق؛ کانپور، لشکور، ۱۲۹۲ ق، کانپور، لشکور، ۱۳۲۳ ق؛ کانپور، لشکور، ۱۳۲۵ ق.

در دیگر آثاری که درباره‌ی پزشکی ایران در شبه قاره، تألیف شده‌اند این خطا تکرار شده و مولف کتاب، علوی خان دهلوی دانسته شده است. از بهاءالدوله رازی کتاب دیگری نیز باقی مانده است به نام هدیه‌الخير (یا هدایت‌الخير) که شرح چهل حدیث عرفانی است و رساله ویا و طاعون به قرینه این که در رساله‌ای راجع به آبله از رساله‌ی بهاءالدوله رازی درباره‌ی آبله یاد شده می‌توان به این نتیجه رسید که این دانشمند رساله‌ای نیز درباره‌ی آبله داشته است.

پی‌نوشت

در تهیه‌ی این مقاله از جلد اول کتاب تصحیح شده‌ی خلاصه‌التجارب استفاده شده است.